



Res. article

Investigating Inflectional Affixes in Kurdish Bijar Garroos Based on Stump Theory

Behzad Kazemi^{1✉}, Iran Kalbasi², Mohammad Reza Ahmadkhani³, Mahnaz Karbalaee Sadegh⁴

1- Ph.D. Student of Linguistics, Faculty of Foreign Languages, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. 2- Professor of Linguistics, Faculty of Foreign Languages, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. 3- Associate Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Payame- Noor University, Tehran, Iran. 4- Assistant Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 2018/31/12

Accepted: 2019/28/07

Abstract

In this research, inflectional affixes in Kurdish Bijar Garroos on the basis of Stump (2001) theory, known as “Paradigm-Function Morphology”, have been studied. Research method is descriptive and the approach of the research is synchronic. To gather the data, we used field, library method and intuition as well. Analyzing the data showed that in spite of Stump classifying of inflectional properties, in Kurdish Bijar, some of the properties are not inflectional. In this respect, properties of verbs, nouns, adjectives, and adverbs of Kurdish language according to Stump (2001) theory are studied.

Keywords: inflection, inflectional rules, affixes, Kurdish Bijar Garroos, Stump.

Citation: Kazemi, B., Kalbasi, I., Ahmadkhani, M. R., Karbalaee Sadegh, M. (2019). Investigating Inflectional Affixes in Kurdish Bijar Garroos: Stump Theory. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 7 (27), 93-115. (In Persian)





بررسی وندهای تصریفی کردی بیجار گروس براساس نظریه استامپ

بهزاد کاظمی^۱، ایران کلباسی^۲، محمدرضا احمدخانی^۳، مهناز کربلایی صادق^۴

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، تهران، ایران. ۲- استاد زبان‌شناسی همگانی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران. ۳- دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. ۴- استادیار زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۶

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۰

چکیده

نوشتار پیش رو وندهای تصریفی را در زبان کردی بیجار گروس براساس انگاره استامپ (۲۰۰۱) بررسی و توصیف کرده است. روش پژوهش توصیفی و از نوع هم‌زمانی است. در پژوهش حاضر جمع‌آوری داده‌ها براساس منابعی که درخصوص زبان کردی موجود بوده، صورت گرفته است و در بیشتر موارد از آنجا که منابع و متون نوشتاری کافی وجود نداشته، شم زبانی نگارنده به‌منابۀ گویشور، به این موضوع کمک کرده است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که باوجود طبقه‌بندی جهانی استامپ (۲۰۰۱) از مشخصه‌های تصریفی، در زبان کردی بیجار گروس برخی از مشخصه‌ها تصریفی محسوب نمی‌شوند. در این راستا، پس از مقدمه و معرفی موضوع، دیدگاه‌های برخی از پژوهش‌گران غربی و نیز پژوهش‌های پیشین در زمینه تصریف کردی بیان شده و در ادامه مشخصه‌های مربوط به فعل، اسم، صفت و قید در زبان کردی گروس در چارچوب نظری انگاره استامپ بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: کردی گروس، تصریف، نند تصریفی، مشخصه تصریفی، استامپ.

استناد: کاظمی، بهزاد؛ کلباسی، ایران؛ احمدخانی، محمدرضا؛ کربلایی صادق، مهناز (۱۳۹۸). بررسی وندهای تصریفی کردی بیجار

گروس براساس نظریه استامپ. *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۷ (۲۷)، ۹۳-۱۱۵.

۱- مقدمه

زبان کردی از زبان‌های ایرانی است. شرایط اقلیمی، فرهنگی و سیاسی از مهم‌ترین عواملی است که منجر به ایجاد زیرشاخه‌ها و لهجه‌های بسیار متفاوت در این زبان شده است. در تقسیم‌بندی کردی به گونه‌های آن، نظرات مختلفی ارائه شده است. پژوهش گرانی چون مکنزی^۱ (۱۹۶۲)، نیز^۲ (۱۹۷۶)، حسن‌پور (۱۹۸۹) و ایزدی (۱۹۹۲) به‌هنگام سخن‌گفتن از زبان کردی، آن را در قالب چهار گروه شمالی، مرکزی، جنوبی و اورامی مطرح می‌کنند؛ اما بیشتر در قائل‌شدن به سه گروه اصلی شمالی، مرکزی و جنوبی اتفاق نظر دارند. این موضوع محل اختلاف بسیار است و نبود مدارک معتبر، راه به اظهار نظر قطعی نمی‌دهد. کریم‌پور (۱۳۹۰) کردی گروس را زیرشاخه کله‌ری می‌داند. کله‌ری یکی از گویش‌های جنوبی است و خود به شاخه‌های مختلف از جمله گروسی، کلیایی، زنگنه، قصری، فیلی، کرنی و کرمانشانی تقسیم می‌شود. در پژوهش حاضر گویش بیچار گروس، که مربوط به شهرستان بیچار، استان کردستان است، بررسی می‌شود.

تصریف عبارت است از تغییر در صورت دستوری یا واژه - نحوی واژه یا تکواژ واژگانی^۳، به طوری که صورت‌های حاصل بتوانند در مطابقه^۴ یا حاکمیت^۵، نقش نحوی ایفا کنند (اسپنسر^۶، ۱۹۹۷: ۱۹۳). با استفاده از تصریف می‌توان ویژگی‌های واژه - نحوی را در یک تکواژ واژگانی به صورت صرفی نشان داد که این امر منجر به ایجاد صورت‌های مختلف آن تکواژ می‌شود که هر کدام واژه‌ای دستوری^۷ نامیده می‌شوند (بویج^۸، ۲۰۰۵: ۹۹). متداول‌ترین روشی که در زبان‌های مختلف برای این منظور به کار می‌رود، استفاده از وندهای تصریفی است که طی عملکرد قواعد تصریفی به ستاک^۹ افزوده می‌شوند. تصریف با افزودن وندهای تصریفی به صورت کلمه ساخته می‌شود. استامپ (۲۰۰۱) معتقد است که قواعد و اصول تعیین‌کننده صورت تصریفی یک واژه، صرفی هستند و به اصول نحو و واج‌شناسی قابل تقلیل نیستند. تعامل میان این قواعد و اصول با سایر حوزه‌های دستور کاملاً محدود است. با وجود این، اصول انگاره او مشخصه‌های دیگر دستور و ماهیت تعامل آن‌ها را با صرف تصریفی نیز روشن

1. D. N. Mackenzie
2. J. Nebe
3. lexeme
4. agreement
5. government
6. A. Spencer
7. grammatical word
8. G. Boijj
9. stem

می‌کند. از نظر او، وجه^۱، نمود^۲، جهت دستوری^۳، زمان، شخص، شمار، حالت^۴، جنس^۵، معرفگی^۶ و درجه^۷، مقوله‌های تصریفی هستند که در زبان‌های دارای تصریف یافت می‌شود (استامپ^۸، ۲۰۰۱: ۲۴۶).

به‌باور بویج (۲۰۰۵: ۱۰۰) نیز، از جمله اطلاعات تصریفی که در زبان‌های مختلف دنیا یافت می‌شود، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. شمار، حالت، معرفگی و جنس برای اسم؛

۲. زمان، نمود، جهت دستوری، شمار، شخص و جنس برای فعل؛

۳. درجه، شمار، جنس، حالت و معرفگی برای صفت.

به‌نظر می‌رسد در کردی گروس نیز باید شاهد همین مشخصه‌ها بود؛ اما نگارندگان در ادامه نشان خواهند داد که چنین تصویری نادرست است. با وجود اهمیت تصریف و جایگاه آن در میان پژوهش‌های زبانی غربی، این پدیده در زبان کردی گروس چندان مورد توجه پژوهش‌گران واقع نشده است. براساس این، نگارنده سعی دارد تا تصریف در زبان کردی گروس را در قالب انگاره نظری استامپ (۲۰۰۱) بررسی کند تا از یک سو به توصیفی از این پدیده دست یابد و از سوی دیگر، میزان اعتبار این انگاره جهانی با استناد به داده‌های زبان کردی محک زده شود.

در مورد پیشینه زبان کردی هرچند در برخی پایان‌نامه‌ها و مقالات در بحث تصریف اشاراتی شده

است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود؛ اما پژوهشی شایسته و درخور توجه در کردی بیجار گروس صورت نگرفته است.

کلباسی (۱۳۶۲) ضمن بررسی کمابیش جامعی که درباره دستور زبان گویش کردی مهاباد انجام داده است، به موضوع صرف پرداخته و تکواژها را معرفی می‌کند. کلباسی (۱۳۷۴) تصریف سه فعل را از لحاظ لازم و متعدی در سه لهجه کردی مهاباد، سنندج و کرمانشاه با یکدیگر مقایسه کرده و تفاوت‌ها را توضیح داده است. ابراهیم‌پور و دیگران (۱۳۷۸) در قالبی سنتی اسم، صفت، فعل، قید، شبه‌جمله و

1. mood
2. aspect
3. voice
4. case
5. gender
6. definiteness
7. degree
8. G. T. Stump

حرف را به‌طور جداگانه بررسی کرده و می‌کوشد تا با ارائه مثال‌های متعدد، هریک از این مقوله‌های دستوری مختلف را طبقه‌بندی کند.

کریمی دوستان (۱۳۸۰) بدون توجه به فرایند تصریف کردی ایلامی گویش بدره، اسم، ضمیر و صفت و نقش و جایگاه دستوری آن‌ها و همچنین انواع فعل در زمان‌های دستوری مختلف را معرفی کرده است. قطره (۱۳۸۶) تصریف و مشخصه‌های تصریفی در زبان فارسی امروز را معرفی کرده و مشخصه‌های تصریفی مربوط به اسم، فعل، صفت و قید را مورد بررسی کرده است. محمدی (۱۳۸۸) وندهای تصریفی و اشتقاقی را در گویش کردی کرمانشاهی بررسی کرده و بیان می‌کند که وندهای تصریفی و اشتقاقی اعم از اسم‌ساز، صفت‌ساز، قیدساز و فعل‌ساز، مشابه فارسی هستند.

سهرابی (۱۳۸۸) ضمن بررسی تصریف در گویش کردی سنندجی، وندهای تصریفی را در زبان کردی سنه‌ای استخراج و توصیف کرده است. فتاحی (۱۳۹۰) فرایندهای صرفی - واجی در کردی کلهری را در چارچوب واج‌شناسی زایشی بررسی کرده است. وی در بخش تحلیل داده‌ها، پسوند‌های فعلی را که در آن‌ها فرایند حذف عمل می‌کند، تشریح می‌نماید و شناسه‌ها، تکواژ مصدرساز و پسوند مجهول‌ساز را به‌ترتیب بررسی می‌کند و در ادامه افعال پی‌بستی و پیشوندهای فعلی را مطرح می‌کند.

کریم‌پور (۱۳۹۰) در دستور زبان کردی کرمانشاهی کلهر، انواع کلمه را از لحاظ صرف بررسی کرده و به‌طور کلی تقسیم‌بندی ذیل را انجام داده است: اسم، فعل، ضمیر، صفت، قید، حرف ربط، حرف اضافه، حرف نشانه و شبه‌جمله. زمانی (۱۳۹۱) تأثیر فرایندهای واجی - آوایی بر نوع صرفی زبان کردی، گویش کلهری را بررسی کرده و زبان‌ها را از دیدگاه نوع صرفی به سه گروه زبان‌های منفرد، پیوندی و تصریفی تقسیم‌بندی می‌کند که زبان کردی را در این تقسیم‌بندی، در گروه زبان‌های پیوندی قرار می‌دهد. وی نشانه‌هایی از تصریفی‌شدن برخی عناصر در زبان کردی را مطرح می‌کند.

بامشادی (۱۳۹۲) در کنار بررسی ساختار فعل در گویش گورانی، پسوندها و پیشوندهای آن را نیز بررسی کرده است. یافته‌های وی بیان‌گر این است که فعل در گویش گورانی دارای تصریف شمار، شخص، زمان، نمود و جهت است. فاطمی‌مقدم سقی و میرزایی مطلق (۱۳۹۶) پیشوندی و پسوندی بودن وندهای تصریفی در کردی ایلامی را مورد مطالعه قرار داده‌اند و بیان می‌کنند که این زبان دارای صرف قوی است. در قسمت نتیجه‌گیری نیز بیان داشتند که در زبان‌های دنیا تمایل به بیان مفاهیم تصریفی به‌صورت پسوندی است. داده‌های زبان کردی ایلامی نیز از این تمایل پیروی می‌کنند؛ یعنی وندافزایی برای بیان مقولات تصریفی در این زبان به‌طور عمده به‌صورت پسوندافزایی بوده است.

۲- ویژگی‌های تصریف در زبان کردی بیچار گروس

تصریف در زبان کردی گروس پدیده‌ای است که تبلور آن را مانند بیشتر زبان‌ها می‌توان در اسم‌ها، فعل‌ها، صفت‌ها و قیدها مشاهده کرد. ویژگی‌های تصریفی در این زبان یا تبلور صوری و صرفی دارند؛ مانند ویژگی شمار در اسامی و ویژگی زمان در افعال یا فاقد تبلور صوری هستند و هیچ نشانه صرفی آشکاری ندارند، مانند جنس دستوری در اسامی. تبلور صوری ویژگی‌های تصریفی به دو صورت امکان‌پذیر است:

الف. استفاده از تکواژهای وابسته تصریفی، مانند تبلور ویژگی شمار در اسامی با استفاده از پسوند جمع همچون «-ân».

- 1) kətâw-ân
book – PL
کتاب‌ها

ب. استفاده هم‌زمان از نند تصریفی و تکواژهای آزاد، به شیوه ترکیبی.

هنگامی که یک صورت در صیغگان با بیش از یک واژه ساخته می‌شود، با روش ترکیبی سر و کار داریم (متیوز، ۱۹۸۱: ۵۵).

- 2) xwâz-əm be-xæf-əm
want – 1P.SL Pres -sleep-1P.SL
می‌خواهم بخوابم.

۲-۱- ویژگی‌های اسم

۲-۱-۱- حالت اضافی

این ویژگی در یک گروه اسمی به اسمی اعطا می‌شود که در جایگاه هسته قرار دارد و تبلور آن با استفاده «-ə» صورت می‌گیرد.

- 3) dâr - ə bærz
tree – Def big
درخت بلند

۲-۱-۲- شمار

به‌طور کلی اسم‌ها در حالت پایه بدون هیچ وندهی، به صورت مفرد بیان می‌شوند؛ بنابراین، تشخیص اینکه اسمی مفرد است بسیار ساده است. ویژگی شمار در یک گروه اسمی به اسمی اعطا می‌شود که در

جایگاه هسته قرار دارد. جمع در کردی گروس به‌طور عمده به‌وسیلهٔ پسوند جمع‌ساز «-ân») متبلور می‌شود:

- 4) kətâw-ân-ə æwæ
book – PL – Def he/she
کتاب‌های او

۲-۱-۳- معرفه‌بودن

در زبان کردی گروس برای اینکه صورت معرفهٔ اسمی را داشته باشیم، می‌توان با اتصال وند ویژه‌ای به انتهای اسم‌ها، خاصیت معرفه‌بودن را در اسامی به‌وجود آورد. این ویژگی در یک گروه اسمی به اسم مفردی اعطا می‌شود که در جایگاه هسته قرار دارد و تبلور آن نیز با استفاده از «-æ») صورت می‌گیرد:

- 5) dɣæt – æ
girl – Def
دختر

۲-۱-۴- نکره‌بودن

این ویژگی در یک گروه اسمی به اسم مفردی اعطا می‌شود که در جایگاه هسته قرار دارد و تبلور آن با استفاده از «-i») صورت می‌گیرد:

- 6) dɣæt - i
girl – Indef
دختری

۲-۱-۵- جنس

این مشخصه در کردی گروس تبلور آشکاری در سطح واژه ندارد.

۲-۲- ویژگی‌های فعل

زمان، وجه و نمود، سه مقولهٔ معنایی مربوط به فعل هستند که در زبان‌های مختلف به شیوه‌های گوناگون نمایانده می‌شوند. سه مقولهٔ تصریف ذاتی فعل که در بسیاری از زبان‌ها نمود ظاهری دارند، زمان، وجه و نمود هستند. این سه با هم نظام زمان - وجه نمود زبان را تشکیل می‌دهند (بویج، ۲۰۰۵).

۲-۲-۱- زمان

بیان دستوری مفهوم زمان به مشخصهٔ تصریفی فعل گفته می‌شود که به موقعیت زمانی رویداد فعلی، به‌ویژه گونهٔ رویداد گفتاری مربوط می‌شود و سه ارزش حال، آینده و گذشته را دارد (شقایق، ۱۳۹۴).

الف. حال: در زبان کردی بیجار گروس برای ستاک حال هیچ گونه وند تصریفی وجود ندارد؛ اما برای ساخت زمان حال افعال پیشوند استمراری «-di» را قرار می دهیم و گاهی اوقات هم ممکن است بدون پیشوند باشد.

7) di - yæ-m

Progr- come – 1P.SL

می آیم.

ب. گذشته: ستاک گذشته به دو گروه با قاعده و بی قاعده تقسیم می شود. برای ستاک های گذشته که بی قاعده هستند هیچ نوع وند تصریفی وجود ندارد اما ستاک های گذشته با قاعده، وندهای تصریفی مشخصی دارند که عبارتند از: /-t, -â, -d i- / . این وندها بعد از ستاک حال می آیند و ستاک گذشته می سازند.

ستاک گذشته	وند گذشته	ستاک حال (بن مضارع)
خوابید	+ -t = xæft	- xæf
/ایستاد	+ -â = wesâ	- wes
پرسیاد	+ -i = persi	- pers
خورد	+ -d = xwærd	- xwær

گاهی به هنگام اضافه شدن پسوند گذشته ساز /-t/ یک جای /es/ نیز اضافه می شود که می توان /-est/ را مانند فارسی یکی از نشانه های گذشته دانست:

8) zan + - est = zanest

know + Past.1P.SL

دانست

ستاک هایی نیز وجود دارند که شکل گذشته و حال آن ها متفاوت است:

برای نمونه، زمان حال (مضارع) فعل *hâten* /آمدن که ستاک حال آن «-diyâ» و ستاک گذشته آن «-hât» آمده است.

جدول (۱). زمان حال (مضارع) فعل *hâten*

آمد	آمدی	آمد
آمدیم	آمدید	آمدند

ج. آینده: فعل در کردی بیجار دارای دو زمان حال و گذشته است. برای زمان آینده ساختمان جداوله وجود ندارد. به دیگر سخن، تصریف زمان حال برای بیان زمان آینده نیز به کار می رود. با وجودی که ستاک حال برای بیان آینده نیز به کار می رود، اما گاه میان شناسه های فاعلی به کاررفته در صیغگان زمان

حال و آینده تفاوت‌هایی دیده می‌شود؛ برای نمونه در تصریف فعل خوردن.

زمان حال:

9) *xwæ – m*
eat.Pres - 1P.SL

می‌خورم.

زمان آینده:

10) *xwæ – mei*
eat.Fut – 1P.SL

خواهم خورد.

۲-۲-۲- وجه

وجه یکی از ویژگی‌های فعل در بندهای زمان‌دار است که خبر، پرسش، شرط، درجات اطمینان و مانند آن را نشان می‌دهد (مالم کایر^۱، ۱۹۹۱: ۴۸۱). در حقیقت وجه مجموعه‌ای از مقوله‌های صرفی است که میزان اعتقاد گوینده به باورپذیری، ضرورت، مطلوبیت یا واقعیت گزاره بیان‌شده را نمایان می‌سازد و با ارزش‌های امری، التزامی، خبری، شرطی، تمنایی و... بیان می‌شود (شقاقتی، ۱۳۹۴). انواع مختلف وجه در زبان کردی بیجار گروس به شرح زیر است:

الف. اخباری: این ویژگی به‌طور معمول نشانه خاصی ندارد و هر جمله که پرسشی، امری، شرطی یا التزامی نباشد، وجه اخباری را نشان می‌دهد، در زبان کردی بیجار گروس گاهی اوقات از پیشوند «*de-*» همچون زمان حال و آینده و گاهی اوقات بدون هیچ نشان صوری برای نشان دادن وجه اخباری استفاده می‌شود.

تعدادی از افعال در زمان حال، ضمن حفظ پسوندهای فعلی تغییراتی در ریشه فعل پیدا می‌کنند. این تغییرات گاهی سطحی و اندک است و زمانی شکل کلی فعل را در تصریف تغییر می‌دهند. مانند:

فعل *dâyen* دادن

11) *me(n) d – æm*
I give.Pres - 1P.

من می‌دهم.

12) *to d – ei (d)*
you give- 1P.

تو می‌دهی.

ب. امری: این ویژگی به هسته گروه فعلی اعطا می شود و تبلور آن نیز به صورت افزایش پیشوند «-bæ» است. این پیشوند، بسته به واج کنار خود، گاهی در پی فرایند واجی همگونی به صورت -bo نیز تلفظ می شود.

پیشوند تصریفی /-be/ در این گویش، فعل را امری می کند. این پیشوند به همراه ستاک حال می آید و وجه امری می سازد. فعل امر با جایگزینی /-be/ با /-m/ یا /-mæ/ منفی می شود.

بخر bæsaen -sæn + bæ / بخواب bæxæf xæf + bæ

پیشوند /-bæ/ در محیط های متفاوت، تغییرات آوایی خاصی می پذیرد:

گاهی دست خوش تغییرات واکه ای و گاهی با حذف واکه ای روبه رو می شود:

تشرزن، دادبز boxor -xor + bæ

بین byn -dyn + bæ

ج. التزامی: این ویژگی در هسته گروه فعلی و به وسیله پیشوند «-bæ» تبلور می یابد.

جدول (۲). مضارع التزامی: فعل خوردن *xwârden*

باید بخورم	twâi bæ-xom	باید بخوری	twâi bæ-xoi	باید بخورد	twâi bæ-xoi
باید بخوریم	twâi bæ-xoim	باید بخورند	twâi bæ-xoæn	باید بخورند	twâi bæ-xoæn

جدول (۳). ماضی التزامی: فعل خوردن *xwârden*

خورده باشم	xwâr-du:-m	خورده باشی	xwâr-du:-d	خورده باشد	xwâr-du:-d
خورده باشیم	xwâr-du:-mân	خورده باشید	xwâr-du:-n	خورده باشند	xwâr-du:-n

د. شرطی: این ویژگی یا با استفاده از وجه التزامی یا جملات خبری نشان داده می شود.

13) agær / xwozwâ bæ - xæft - yâ - m
If / wish Progre- sleep - 1P.SL

اگر/کاش می خوابیدم.

14) agær / xwozwâ bæ - xæf - em
If / wish Pres - sleep 1P.SL

اگر/کاش بخوابم.

۲-۲-۳- نمود

نمودها، شیوه های مختلف نگاه کردن به ساختار زمانی درونی موقعیت هستند (کامری^۱، ۱۹۷۶: ۳). نمود مقوله ای تصریفی است که ارتباط رویداد یا عملی را با گذر زمان، طول مدت یا تکمیل آن رمزگذاری

می‌کند (شفاقی، ۱۳۹۴). در زبان کردی بیجار گروس نموده‌های گوناگونی وجود دارد که عبارت‌اند از:

الف. نمود کامل: به عملی کامل شده اشاره دارد که دارای آغاز، وسط و انجام است (کامری، ۱۹۷۶: ۱۸). این نمود، به‌طور معمول در بافت‌های روایی به‌کار می‌رود که در آن نقاط آغاز و انجام وقایع مشخص است (اسمیت، ۱۹۹۱: ۱۳۰). از این نمود بیشتر برای اشاره به رویدادها استفاده می‌شود (مایکلیکس^۱، ۱۹۹۸: ۱۵).

این ویژگی در این زبان از پیوستن پسوندهای فعلی حال کامل به ستاک گذشته و تشکیل پایه‌ای که پسوندهای مطابقت فاعلی به آن متصل می‌شوند، حادث می‌شود. تمایز صرفی میان ماضی ساده و ماضی نقلی در افزوده شدن /-jə/ به ستاک گذشته به‌علاوه شناسه‌های فاعلی است.

جدول (۴). نمود کامل (ماضی نقلی): فعل خوردن *xwården*

xwården-jə	خورده‌است	xwården-jə	خورده‌ای	xwården-jəm	خورده‌ام
xwården-jən	خورده‌اند	xwården-jən	خورده‌اید	xwården-jəmân	خورده‌ایم

ماضی بعید: این ساخت از پیوستن پسوند بعیدساز /- u:/ به ستاک گذشته فعل و تشکیل پایه‌ای که پسوندهای مطابقت فاعلی به آن متصل می‌شوند، حادث می‌شود.

جدول (۵). نمود کامل (ماضی بعید): فعل خوردن *xwården*

xwården-u:- Ø	خورده بود	xwården-u:-d	خورده بودی	xwården-u:-m	خورده بودم
xwården-u:-n	خورده بودند	xwården-u:-n	خورده بودی	xwården-u:-mân	خورده بودیم

ب. نمود ناقص: در این نمود، تنها بخشی از یک موقعیت در نظر گرفته می‌شود، بی‌آنکه هیچ اطلاعی در مورد آغاز و انجام آن ارائه شود (اسمیت^۲، ۱۹۹۱: ۱۱۱). در این نمود به‌ویژه هیچ اشاره‌ای به نقطه پایان عمل نمی‌شود (مایکلیکس، ۱۹۹۸: ۱۴). نمود ناقص را می‌توان به دو زیرشاخه استمراری و غیر استمراری تقسیم کرد (فیلیپ^۳، ۱۹۹۹: ۱۵۷). برخی نیز آن‌را به دو زیرشاخه عادت و استمراری تقسیم می‌کنند، اما داده‌های زبان‌های مختلف نشان می‌دهد که به‌طور معمول نیازی به تقسیم‌بندی نیست و مجموع مفاهیم عادت و استمرار، نمود ناقص را می‌سازد (کامری، ۱۹۷۶: ۲۶).

زبان کردی گروس برای بیان نمود ناقص (نمود استمراری) از فعل کمکی بهره می‌گیرد. فعل کمکی نمود ناقص پیش از فعل اصلی می‌یابد. این ویژگی یا به‌صورت وندافزایی در فعل تبلور می‌یابد یا

1. L. A. Michaelis
2. C. S. Smith
3. H. Fillip

به روش ترکیبی با استفاده از فعل *داشتن* و پیشوند تصریفی «*de-*» متبلور می‌شود.

15) me dir – em nu:s – em
I am – 1P.SL write.Progr - 1P.SL

من دارم می‌نویسم.

16) me dast – em de - xward – em
I was – 1P.SL Progr - eat - 1P.SL

من داشتم می‌خوردم.

۲-۲-۴- جهت مجهول

در کردی گروس، برای تبلور آن از روش وندا فزایی استفاده می‌شود. ساخت مجهول در زبان کردی، صرفی است و به وسیلهٔ پسوند مجهول‌ساز انجام می‌پذیرد. فعل مجهول را می‌شود به دو گونه ساخت (کلباسی، ۱۳۶۲: ۳۱-۳۲). گرچه توصیف کلباسی دربارهٔ کردی مهاباد است که با کردی گروس مغایرت‌هایی دارد، اما این ساختار در مورد کردی بیجار نیز مصداق دارد. در این زبان برای زمان حال/آینده و گذشته از دو پسوند مختلف برای مجهول‌سازی استفاده می‌شود. پسوند ستاک مجهول در زمان حال و آینده [*rë*] است که به ریشه فعل افزوده می‌شود. پسوند ستاک مجهول گذشته نیز [*ryâ*] است که به پایان ریشهٔ فعل افزوده می‌شود.

الف. از ستاک حال: ۱. مجهول زمان حال: ستاک حال فعل + [*rë*] مانند:

17) nu:s + rë = nu:s – rë : de-nu:s-rë
نویس مجهول = نوشته : نوشته می‌شود. اخ

۲. مجهول زمان گذشته: ستاک حال فعل + [*ryâ*] مانند:

18) nu:s + ryâ = nu:s – ryâ : de-nu:s-ryâ
نویس مجهول = نوشته : نوشته می‌شد. اخ

ب. از ستاک گذشته: ۱. مجهول زمان حال: ستاک گذشته فعل + [*rë*] مانند:

19) sæn + rë = sæn – e – rë : de - sæn – e – rë
خر مجهول = خریده : خریده می‌شود

۲. مجهول زمان گذشته: ستاک گذشته فعل + [*ryâ*] مانند:

20) sæn + ryâ = sæn – e – ryâ : de - sæn – e – ryâ
خر مجهول = خریده می‌شد : خریده

گاهی به‌هنگام اضافه‌شدن ستاک گذشته‌ساز واج /e/ نیز اضافه می‌شود.

۲-۵- نفی

این ویژگی مختص هسته گروه فعلی است و برای تبلور آن از پیشوند «mæ-» استفاده می‌شود که به فعل اضافه می‌شود.

- 21) mæ - + xwæn mæxwæn
 Neg - + read don't read
 نخوان.

۲-۳- ویژگی‌های صفت

۲-۳-۱- صورت ساده

این ویژگی مانند اسامی مفرد، نشانه صوری ندارد.

۲-۳-۲- درجه تفضیلی

الف. استفاده از وند افزایی: این ویژگی به شکل پسوند «tər» به عنصری اعطا می‌شود که در جایگاه هسته گروه صفتی قرار دارد.

- 22) dār-ə bærz-tər
 tree - Def tall - Comp
 درخت بلندتر

ب. استفاده از روش ترکیبی: هنگامی که در ساخت تفضیلی مبنای مقایسه نیز وجود داشته باشد، به طور هم‌زمان از پسوند «-tər» و حرف اضافه «dæ» استفاده می‌شود.

- 23) gowræ-tər læ mæryæm
 old - Comp from maryam
 بزرگ‌تر از مریم

۲-۳-۳- درجه عالی

در صفت‌ها این ویژگی به شکل پسوند «-tərin» به عنصری اعطا می‌شود که در جایگاه هسته گروه صفتی قرار می‌گیرد:

- 24) bærz tərin dār
 Tall-Supr tree
 بلندترین درخت

۲-۴- ویژگی‌های قید

۲-۴-۱- صورت ساده

این ویژگی مانند صورت ساده صفت‌ها نشانه صوری ندارد.

۲-۴-۲- درجه تفضیلی

الف. استفاده از وند افزایی: این ویژگی به شکل پسوند «-tər» به عنصری اعطا می‌شود که در جایگاه هسته گروه قیدی قرار دارد.

25) æmir weryâ – tər wâzi kei
amir clever - Comp play-3P.SL
امیر آگاهانه تر بازی می‌کند.

ب. استفاده از روش ترکیبی: در اینجا نیز هنگامی که مبنای مقایسه نیز وجود داشته باشد، به طور هم‌زمان از پسوند «-tər» و حرف اضافه «læ» استفاده می‌شود. به این ترتیب که پسوند «-tər» به هسته گروه قیدی افزوده می‌شود و مبنای مقایسه می‌تواند پیش یا پس از قید بیاید.

26) æmir weryâ – tər læ sinâ wâzi kei
amir clever – Comp from sina play.3P.SL
امیر آگاهانه تر از سینا بازی می‌کند.

۳- بررسی داده‌های کردی بیجار گروس در قالب انگاره استامپ (۲۰۰۱)

انگاره استامپ (۲۰۰۱)، انگاره استنباطی - تحقیقی است که بر ساس آن، ارتباط واژه با مجموعه مشخصی از ویژگی‌های واژ - نحوی، اجازه عملکرد قواعدی را می‌دهد که صورت تصریفی آن واژه را مشخص می‌کند؛ برای مثال، صورت *katâw-ân* از راه عملکرد قاعده‌ای حاصل می‌شود که وند «-ân» را به هر ستاک اسمی که مشخصه [جمع] دارد، اضافه می‌کند. در این نوع انگاره، برای تعداد وندها و تکواژها هیچ‌گونه محدودیتی وجود ندارد و در نتیجه می‌توان گفت یک ویژگی به وسیله دو یا چند تکواژ نشان داده می‌شود:

27) næ – xwârd – im
Neg – eat- 1P.PL
نخوردیم

براساس انگاره استنباطی - تحقیقی، ممکن است ویژگی‌ای به وسیله نشانه‌های تصریفی که تبلور آشکار ندارند، نشان داده شود.

28) æmir xaft – Ø
amir sleep – Past-1P.SL
امیر خوابید.

نشانه‌های سوم‌شخص در فعل تبلور آشکار ندارند. در این انگاره‌ها به جای اصطلاح وند تصریفی، از اصطلاح قاعده تصریفی استفاده می‌شود. قواعد تصریفی در واژه عمل می‌کنند تا مجموعه‌ای از

ویژگی‌های واژ - نحوی مرتبط با آن را نشان دهند (استامپ، ۲۰۰۱: ۱۵۷). ایده اصلی انگاره استامپ (۲۰۰۱) این است که در حوزه تصریف، صیغگان باید مبنای تحلیل قرار گیرد و نه واژه.

۴- انواع قاعده‌ها در زبان کردی بیجار گروس

براساس انگاره صرف نقش صیغگان استامپ، در زبان کردی گروس نیز انواع قواعد وجود دارد که عبارت‌اند از: نقش صیغگان‌ها و قواعد تصریفی.

۴-۱- نقش صیغگان‌ها^۱

بر اساس انگاره صرف نقش صیغگان، سه نوع عبارت صرفی در زبان وجود دارد که عبارت‌اند از: ریشه، واژه و ستاک. ریشه، صورت پیش‌فرض هر تکواژ واژگانی است که هیچ‌نوع نشانه یا ونندی ندارد: کتاب *katâw*. واژه، صورتی است که به‌لحاظ نحوی آزاد است و نقشگان‌های یک صیغگان را پر می‌کند: کتاب‌ها *katâw-an* ستاک نیز به هر سازه‌ای اطلاق می‌شود که ونده تصریفی بتواند به آن افزوده شود: کتاب *katâw*. نقش صیغگان‌ها قواعدی هستند که به ریشه‌هایی که مجموعه‌ای از مشخصه‌های واژ - نحوی دارند عمل می‌کنند تا صورت واژه‌ها را در صیغگان‌های مربوط بسازند؛ برای مثال، یک نقش صیغگان به ساخت *katâw* «جمع» عمل می‌کند و صورت *katâw-an* را می‌سازد.

۴-۲- قواعد تصریفی^۲

در زبان کردی بیجار گروس می‌توان برای قواعد تصریفی، قواعد نمود و قواعد ارجاعی قائل شد.

۴-۲-۱- قواعد نمود^۳

مجموعه‌ای از مشخصه‌های واژ - نحوی را به‌طور مستقیم با نمود تصریفی خاصی مرتبط می‌کنند؛ برای مثال، ارتباط میان ویژگی نمود/استمراری با پیشوند «-de» را یک قاعده نمود نشان می‌دهد. قواعد نمودی که در زبان کردی گروس وجود دارد به شرح زیر است:

الف. قواعد نمود در اسامی: قاعده‌ای که ارتباط مشخصه جمع در اسامی (اعم از [+جاندار] و [-جاندار]) را با پسوند «-ân»^۴، مشخصه حالت اضافی را با «-ə»^۵ اضافه، مشخصه معرفه‌بودن را با پسوند «-æ»^۶ و مشخصه نکره‌بودن را با «-i»^۷ نشان می‌دهد.

1. paradigm function
2. inflectional rules
3. rules of exponence

ب. قواعد نمود در افعال: قواعدی که ارتباط میان مشخصه حال را با پیشوند «de-»، گذشته را با یکی از پسوندهای /-d, -i, -â, -t/ آینده را با پیشوند «de-»، وجه امری را با پیشوند «be-»، وجه التزامی را با پیشوند «be-»، نمود استمراری را با پیشوند «de-»، نمود عادت را با پیشوند «de-»، و جهت مجهول را با پسوند «yâ-» نشان می‌دهد.

ج. قواعد نمود در صفت‌ها: قاعده‌ای که ارتباط میان مشخصه درجه تفضیلی را با پسوند «-tər» و درجه عالی را با پسوند «-tərin» نشان می‌دهد.

د. قاعده نمود در قیدها: قاعده‌ای که ارتباط میان ویژگی درجه تفضیلی را با پسوند «-tərin» نشان می‌دهد.

۴-۲-۲- قواعد ارجاعی^۱

نمود صرفی مجموعه‌ای از ویژگی‌های واژ - نحوی را با مجموعه‌ای از ویژگی‌های ممیز مشخص می‌کنند؛ برای مثال، اینکه صورت دوم شخص جمع امر، با صورت دوم شخص جمع التزامی یکسان است، با قاعده‌ای ارجاعی نشان داده می‌شود:

29) læ- iræ be - tʃen
from here go.Imp

از اینجا بروید.

30) æger læ - iræ be - tʃen xâs - tər - æ
if from here go good - COMP - be(is)

(اگر) از اینجا بروید بهتر است.

۴-۲-۳- مشخصه‌های واژ - نحوی

در زبان کردی گروس، مشخصه‌های واژ - نحوی یا ارزش اتمی^۲ هستند و ارزش آن‌ها را واحدهای غیر قابل تجزیه تشکیل می‌دهد، مانند شمار یا ارزش مجموعه‌ای^۳ هستند و ارزش آن‌ها متشکل از مجموعه‌ای از مشخصه‌های واژ - نحوی دیگر، مانند مطابقه است که ارزش آن مبتنی بر مشخصه‌هایی همچون شخص و شمار است.

۴-۲-۴- صیغگان تصریفی

تکواژ واژگانی عبارت است از مجموعه‌ای از نقش‌گاه‌ها که هر کدام به وسیله یکی از صورت‌های

تصریف‌شده آن تکواژ که دارای مجموعه‌ای از مشخصه‌های واژ - نحوی است پر می‌شود. به این ترتیب، هریک از این مجموعه مشخصه‌ها مطابق با یک نقش‌گاه در صیغگان هستند؛ برای مثال، در صیغگان کتاب *katâw* نقش‌گاه‌های <کتاب *katâw*، {«جمع»}>، <کتاب *ketâw*، {«جمع»}>، «حالت اضافی»>، و <کتاب *katâw*، {«حالت اضافی»}> به ترتیب با صورت‌های تصریف‌شده کتاب‌ها *katâw-an* کتاب‌های *katâw-ân-a* و کتاب *katâw-a* پر می‌شود.

براساس این، صیغگان الگویی اسم در کردی گروس متشکل از نقش‌گاه‌های زیر است:

- <اسم، {مفرد}> (کتاب *katâw*)، <اسم، {جمع}> (کتاب‌ها *katâw-an*)
 - <اسم، {مفرد، نکره}> (کتابی *katâw-i*)، <اسم، {مفرد، معرفه}> (کتابه *katâw-æ*)
 - <اسم، {جمع، نکره}> (کتاب‌هایی، *katâw-ân-i*)، <اسم، {جنس}> (کتاب *katâw*)
- صیغگان نمونه‌ی اعلا‌ی فعل نیز متشکل از نقش‌گاه‌های زیر است:

گذشته اخباری (ماضی ساده):

{اول شخص، مفرد} (خوردم *xwârd-əm*)

{اول شخص، مفرد، منفی} (نخوردم *næ-xwârd-əm*)

{دوم شخص، مفرد} (خوردی *xwârd-i*)

{دوم شخص، مفرد، منفی} (نخوردی *næ-xwârd-i*)

{سوم شخص، مفرد} (خورد *xwârd*)

{سوم شخص، مفرد، منفی} (نخورد *næ-xwârd*)

{اول شخص، جمع} (خوردیم *xwârd-im*)

{اول شخص، جمع، منفی} (نخوردیم *næ-xwârd-im*)

{دوم شخص، جمع} (خوردید *xwârd-ən*)

{دوم شخص، جمع، منفی} (نخوردید *næ-xwârd-ən*)

{سوم شخص، جمع} (خوردند *xwârd-ən*)

{اول شخص، جمع، منفی} (نخوردند *næ-xwârd-ən*)

از این دوازده صورت می‌توان برای بیان ویژگی‌های تصریفی دیگر همچون زمان آینده و نیز نمود استمراری در زمان حال استفاده کرد.

۴-۲-۵- تبلور ویژگی‌های واژ - نحوی

در زبان کردی گروس ویژگی‌های واژ - نحوی را برحسب جایگاه تبلورشان در یک ساخت نحوی، می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف. ویژگی‌هایی که در هسته یک ساخت متبلور می‌شوند و توزیع آن‌ها در نحو به وسیله قرارداد ویژگی هسته قاعده‌مند می‌شود. شمار در اسامی:

31) kətâw – ân – ə mə/mən
book - PL - Def I
کتاب‌های من

معرفه‌بودن در اسامی:

32) kətâw – ə
book – Def
کتابه

زمان در افعال:

33) sif xwârd - Ø
Apple eat -Past 3P.SL
سیب خورد.

ب. ویژگی‌هایی که توزیع آن‌ها در نحو به وسیله اصل ویژگی حاشیه^۱ قاعده‌مند می‌شود و در آخرین واژه یک گروه نحوی متبلور می‌شوند. حالت اضافی در اسامی:

34) kətâw – ân xâs – ə æmir
book - PL good - Def amir
کتاب‌های خوب امیر

۴-۲-۶- بلوک‌های قواعد تحقق^۲

برای نشان‌دادن مشخصه‌های واژ - نحوی از هر بلوک قواعد تنها یک قاعده عمل می‌کند. در این راستا، به تعداد نشانه‌های تصریفی واژه، بلوک قواعد وجود دارد. دسته‌بندی قواعد در بلوک‌های مختلف نیز به گونه‌ای صورت می‌گیرد که اصول مقوله‌ای و اصول ترجیح را رعایت کند. در اینجا براساس یکی از اصول ترجیح، پیشوندها و پسوندها در بلوک‌های مجزا قرار می‌گیرند. با توجه به انگاره صرف نقش صیغگان می‌توان بلوک‌هایی را برای قواعد تصریفی کردی گروس در نظر گرفت.

جدول (۶). بلوک‌های قواعد در زبان کردی با توجه به انگاره استامپ (۲۰۰۱)

شمار در اسامی، زمان در افعال، درجه در صفت‌ها و قیدها
حالت در اسامی، شخص و شمار در افعال
معرفه‌بودن و نکره‌بودن در اسامی، وجه و نمود در افعال
منفی‌سازی در افعال
انتخاب ستاک
جهت در افعال

در اینجا طبقه‌بندی بلوک‌ها به گونه‌ای است که از یک سو به تعداد نشانه‌های تصریفی واژه، بلوک قواعد وجود داشته باشد و از سوی دیگر، تعداد بلوک‌ها تا حد امکان حداقل باشد. به همین دلیل، یک بلوک ممکن است هم‌زمان متشکل از قواعدی باشد که مشخصه‌های تصریفی فعل را متبلور می‌سازد و قواعدی که مشخصه‌های تصریفی اسم را متبلور می‌کنند؛ اما قواعد به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که برحسب جایگاهشان در واژه و دوری یا نزدیکی به پایه ارزش مشابهی داشته باشند؛ برای مثال، قاعده شمار در اسامی و زمان در افعال، هر دو در اولین بلوک قرار گرفته‌اند؛ زیرا هر دو ی آن‌ها اولین نشانه تصریفی هستند که به ترتیب در اسامی و افعال متبلور می‌شوند. ترتیب عملکرد قواعد را در هر بلوک اصل پانی‌نی تعیین می‌کند؛ افزون بر این، ضرورتی ندارد که ترتیب عملکرد قواعد منطبق بر ترتیب قرارگرفتن بلوک‌ها باشد؛ برای مثال، برای ساخته‌شدن صورت تصریفی *nxward-əm* نخوردم ابتدا از بلوک هفتم قاعده انتخاب ستاک عمل می‌کند که طی آن ستاک خورد *xward* انتخاب می‌شود؛ سپس از بلوک دوم قاعده شخص و شمار عمل می‌کند و صورت خوردم *xward-əm* ساخته می‌شود و در آخر نیز از بلوک ششم قاعده نفی عمل می‌کند و صورت نهایی نخوردم *nxward-əm* ساخته می‌شود.

۵- روابط میان تکواژ واژگانی و نشانه تصریفی

کریدر و هادسن^۱ (۱۹۹۹: ۴۵۰ و ۴۵۱) معتقدند که میان تکواژ واژگانی و نشانه تصریفی روابط مختلفی وجود دارد. انواع این روابط به شرح زیر هستند:

۱- میان ستاک و نشانه تصریفی رابطه مستقیم و یک به یک برقرار است، به طوری که به ازاء هر مشخصه تصریفی، یک نشانه تصریفی در واژه مشاهده می‌شود؛ برای مثال، در صورت تصریف شده نمی‌خوردم *ni-xward-əm*

۲- میان ستاک و نشانه تصریفی رابطه یک به چند برقرار است، به طوری که دو (یا چند) مشخصه

تصریفی مختلف تنها در یک نشانه تصریفی تبلور می‌شوند و آن نشانه به‌طور هم‌زمان آن مشخصه‌ها را نشان می‌دهد. در چنین شرایطی با تکواژ چندمشخصه‌ای مواجه هستیم؛ برای مثال، در کردی گروس برای نشان‌دادن دو مشخصه تصریفی شخص و شمار افعال، از یک پسوند تصریفی (شناسه فعل) استفاده می‌شود.

۳- گاهی برای تبلور مشخصه‌های تصریفی مختلف، از نشانه‌هایی استفاده می‌شود که با یکدیگر هم‌آیندی^۱ دارند؛ برای مثال، در کردی گروس برای نشان‌دادن دو مشخصه تصریفی وجه امری و وجه التزامی از پیشوندهای تصریفی هم‌آیند استفاده می‌شود:

به‌باور نگارندگان، در زبان کردی گروس، یک مشخصه تصریفی ممکن است ارزش‌های متفاوتی داشته باشد که برخی از آن‌ها فاقد نشانه خاصی باشد؛ به‌طور مثال، می‌توان به مشخصه تصریفی شمار در اسامی اشاره کرد که دارای دو ارزش مفرد و جمع است که تنها ارزش جمع آن نشانه تصریفی دارد؛ ازسوی دیگر، در زبان کردی گروس، یک مفهوم ممکن است تصریفی یا غیر تصریفی (واژگانی) باشد؛ برای نمونه می‌توان به مفهوم نمود اشاره کرد که در بعضی از موارد تصریفی است.

۶- مشخصه‌های تصریفی زبان کردی بیجار گروس همراه با چگونگی تبلورشان

۶-۱- مشخصه‌های تصریفی اسم

شمار: پسوندافزایی برای ساختن صورت جمع

معرفه‌بودن: وندافزایی

جاننداری: فاقد تبلور آشکار

مشخصه‌های تصریفی فعل: - زمان: ۱. گذشته: پسوندافزایی

۲. حال: پیشوندافزایی

۳. آینده: پیشوندافزایی / روش ترکیبی

- وجه: ۱. اخباری: پیشوندافزایی / فاقد تبلور آشکار

۲. امری: پیشوندافزایی

۳. التزامی: پیشوندافزایی / روش ترکیبی

۴. شرطی: پیشوندافزایی / روش ترکیبی

- نمود: ۱. استمراری: پیشوندافزایی / فاقد تبلور آشکار

۲. عادت: پیشوندافزایی / فاقد تبلور آشکار

۳. کامل: روش ترکیبی

- جهت مجهول: پسوندافزایی

- شخص: پسوندافزایی

- شمار: پسوندافزایی

- منفی‌سازی: پیشوندافزایی

مشخصه‌های تصریفی صفت: - درجه تفضیلی: پسوندافزایی / روش ترکیبی

- درجه عالی: پسوندافزایی

مشخصه‌های تصریفی قید: - درجه تفضیلی: پسوندافزایی / روش ترکیبی

با استفاده از همین طبقه‌بندی می‌توان بلوک‌های قواعد تصریفی زبان کردی گروس را نیز که در جدول (۶) نشان داده شده است، تغییر داد و به صورت زیر ارائه نمود:

جدول (۷). بلوک‌های قواعد در زبان کردی با توجه به انگاره استامپ (۲۰۰۱)

شمار در اسامی، زمان و نمود در افعال، درجه در صفت‌ها و قیدها

شخص و شمار در افعال

معرفه‌بودن در اسامی، جاننداری در اسامی

وجه در افعال

منفی‌سازی در افعال

انتخاب ستاک

جهت افعال

قواعد ارجاعی

۷- بحث و نتیجه‌گیری

گرچه استامپ (۲۰۰۱) به تصریف رویکردی جهانی دارد و می‌کوشد با توجه به داده‌های متنوع از زبان‌های تصریفی مختلف مشخصه‌های تصریفی را تعیین کند، اما آنچه به مثابه مشخصه‌های تصریفی ازسوی وی مطرح می‌شود، در برخی از موارد پاسخگوی داده‌های تصریفی زبان کردی گروس نیست و گاهی نیز با آن مغایرت دارد. نخستین نکته‌ای که در اینجا مطرح می‌شود، انگاره استامپ و داده‌های گروس در مورد مشخصه‌های تصریفی است که نکره‌بودن و حالت اضافی را مشخصه‌های تصریفی

در نظر می‌گیرد و با استناد به آن، تکواژهای وابسته‌ای که در کردی گروس این مشخصه‌ها را متبلور می‌کنند، باید وند تصریفی محسوب شوند؛ اما این دو مشخصه در کردی گروس به ترتیب با واژه‌بست‌های «-i» نکره و «-æ» / «-ə» اضافه متبلور می‌شوند.

برای برطرف‌شدن این تناقض دو راه‌حل وجود دارد: اول آنکه برخلاف باور بیشتر زبان‌شناسان، می‌توان این دو مشخصه را در کردی گروس تصریفی در نظر نگرفت و آن‌ها را تنها ویژگی‌های نحوی دانست که در ارتباط یک واژه با سایر اجزا یا جمله مطرح می‌شوند. راه‌حل دوم این است که آن دو را مشخصه‌های تصریفی بدانیم که تبلورشان با واژه‌بست صورت می‌گیرد و نه وند تصریفی. با توجه به اینکه مشخص شد رفتار واژه‌بست‌های «-i» نکره و «-æ» / «-ə» اضافه، به وندهای تصریفی نیز شباهت دارد، اگر راه‌حل دوم برگزیده شود، این وندها تصریفی محسوب خواهند شد؛ اما اشکال این تحلیل این است که تصریف در سطح واژه مطرح می‌شود و در ساختمان درونی واژه تغییر ایجاد می‌کند، به طوری که وند تصریفی جزئی از ساختمان واژه می‌شود و می‌تواند تکیه داشته باشد:

کتاب /kə'tāw -ə/ کتاب /kə'tāw/

اما یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های واژه‌بست‌ها این است که تکیه ندارند و به همین دلیل، نمی‌توان آن‌ها را جزو ساختار درونی واژه‌ها به‌شمار آورد و در سطح نحو مطرح می‌شوند. براساس این، انتخاب راه‌حل اول برای کردی گروس مناسب‌تر است، گرچه موجب می‌شود مشخصه‌های نکره‌بودن و حالت اضافی از زمره مشخصه‌های تصریفی خارج شوند و این امر مغایر با رویکرد جهانی به این مشخصه‌هاست که در انگاره استامپ مطرح می‌شود. در این زبان [جاندار] مشخصه‌ای تصریفی به‌نظر می‌رسد، گرچه در واژه با نشانه خاصی متبلور نمی‌شود؛ اما از یک طرف در تبلور مشخصه‌ها شمار در اسم دخالت دارد؛ از طرف دیگر، بر ویژگی مطابقت فعل با فاعل نظارت دارد. مشخصه جنس نیز در اسم‌های زبان کردی وضعیت متفاوتی دارد.

با استناد به انگاره استامپ (۲۰۰۱)، باید در کردی گروس آن را مشخصه‌ای تصریفی دانست که تبلور آشکار ندارد؛ زیرا هیچ نشانه صرفی وابسته‌ای برای تبلور آن به‌کار نمی‌رود. در اینجا نیز به‌جای در نظر گرفتن جنس به‌مثابه یک مشخصه تصریفی فاقد تبلور آشکار، می‌توان آن را از فهرست مشخصه تصریفی اسم در زبان کردی گروس کنار گذاشت؛ زیرا در نظام دستوری نقشی برعهده ندارد. در مورد مشخصه‌های تصریفی فعل نیز وضعیت مشابهی وجود دارد؛ برای مثال، نمود در کردی گروس مشخصه‌ای است که گاهی از روی مشخصه زمان شناخته می‌شود. متمایز نبودن مشخصه‌های تصریفی

زمان، وجه و نمود در کردی گروس نیز مسئله‌ای است که به آن اشاره شد. در مورد چگونگی تبلور مشخصه‌های تصریفی در واژگان باید گفت که با فرض اینکه مشخصه‌ها عموماً آراه و ندادافزایی متبلور می‌شوند؛ اما بررسی داده‌های مختلف زبان کردی گروس نشان داد که در این زبان، قاعده‌های تصریفی متنوعی وجود دارد که حاصل عملکرد بیشتر آن‌ها، افزایش وند تصریفی است؛ اما در مواردی نیز افزون بر وند تصریفی، تکواژها یا واژه‌های دیگر نیز برخی از مشخصه‌های تصریفی را متبلور می‌کنند. در مواردی نیز مشخصه تصریفی در واژه تبلور آشکار ندارد، مانند مشخصه جاننداری در اسم. نتیجه دیگر که حاصل شد این است که در زبان کردی گروس جاننداری را می‌توان مشخصه‌ای تصریفی ذاتی برای اسامی در نظر گرفت. در مورد روابط میان تکواژ واژگانی و نشانه تصریفی نیز می‌توان خاطر نشان کرد که در کردی بیجار میان ستاک و نشانه تصریفی رابطه آشکار وجود ندارد. این امر هنگامی روی می‌دهد که مشخصه تصریفی تبلوری آشکار در سطح واژه نداشته باشد؛ برای نمونه می‌توان به مشخصه جاننداری و نیز ارزش مفرد مشخصه جمع در اسامی اشاره کرد.

منابع

- ابراهیم‌پور محمد تقی و دیگران (۱۳۷۸). دستور کامل زبان کردی. تهران: ایران جام..
- بامشادی، پارسا (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی ساختار فعل در گویش گورانی با زبان فارسی معیار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه پیام نور واحد مهریز یزد.
- زمانی، محمد (۱۳۹۱). تحلیل و توصیف فرایندهای واجی آوایی زبان کردی (گویش کلهری). پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه کردستان.
- سهرابی، سارا (۱۳۸۸). بررسی تصریف در گویش کردی سنندجی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه همدان.
- شقایق، ویدا (۱۳۹۴). فرهنگ توصیفی صرف. تهران: علمی.
- فاطمی مقدم سقی، محمدرضا و فرشاد میرزایی مطلق (۱۳۹۶). بررسی میزان پیشوندی‌بودن و پسوندی‌بودن وندهای تصریفی در کردی. دومین کنفرانس بین‌المللی ادبیات و زبان‌شناسی. اهواز مؤسسه پژوهش‌گران اندیشمند.
- فتاحی، مهدی (۱۳۹۰). فرایندهای صرفی - واجی در کردی کلهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- قطره، فریبا (۱۳۸۶). تصریف در زبان فارسی. رساله دکتری زبان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- کریم‌پور، کریم (۱۳۹۰). دستور زبان کردی کرمانشاهی (کلهری). کرمانشاه: مؤلف.

- کریمی دوستان، غلامحسین (۱۳۸۰). *کردی ایلامی: بررسی گویش باره*. سنندج: دانشگاه کردستان.
- کلباسی، ایران (۱۳۶۲). *گویش کردی مهاباد*. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- (۱۳۷۴). *مقایسه‌ای میان کردی مهاباد؛ سنندج و کرمانشاه*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدی، مریم (۱۳۸۸). *توصیف وندهای تصریفی و اشتقاق در گویش کردی کرمانشاهی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.

References

- Booij, G. (2005). *The Grammar of The Words*. Oxford: Oxford University Press.
- Comrie, B. (1976). *Aspect*. Cambridge: Cambridge Universities Press.
- Creider, C. & R. Hudson (1999). *Inflectional Morphology in Word Grammar*. In: F. Katamba (Ed.), *Morphology: Critical Concepts in linguistics, 1*, (pp. 441-467). London & New York: Routledge.
- Fillip, H. (1999). *Aspect, Eventuality Types and Nominal Reference*. New York & London, Garland Publishing, Inc.
- Hassanpour, A. (1989). *The Language Factor In National Development: The Standardization of The Kurdish Language*. Ph.D. Dissertation General Linguistics. University Of Illinois At Urbane-Champaign.
- Izadi, M. (1992). *The Kurds: A Concise Handbook*. Washington. DC: Crane Russak.
- Mackenzie, D. N. (1962). *Kurdish Dialect Studies*. Oxford: University Press .
- Matthews, P. (1981). *Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Michaelis, L. A. (1998). *Aspect Grammar and Past-time Reference*. London and New York: Routledge.
- Malmkjaer, K. (1991). *The Linguistics Encyclopedia*. London & New York: Routledge.
- Nebes, J. (1976). *Toward a Unified Kurdish Language*. West Germany: National Union of Kurdish Students in Europe.
- Smith, C. S. (1991). *The Parameter of Aspect*. Dordrecht: Kluwer Academic Publishers.
- Spencer, A. (1997). *Morphological Theory: An Introduction to Word Structure In Generative Grammar*. Oxford & Cambridge: Blackwell.
- Stump, G. T. (2001). *Inflectional Morphology: A Theory of paradigm Structure*. Cambridge: Cambridge University Press.